

دادرسی اساسی تطبیقی

عنوان پژوهش

دادرسی اساسی در نظام حقوقی جمهوری ترکیه

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۳۶

تاریخ: ۱۳۹۲/۶/۲۰

الحمد لله رب العالمين



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

دادرسی اساسی تطبیقی دادرسی اساسی در نظام حقوقی جمهوری ترکیه

تهیه و تدوین:

حسین خلفرضایی

ناظر علمی:

سید محمد مهدی غمامی

دفتر مطالعات تطبیقی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۳۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۶/۲۰

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

فهرست مطالب

چکیده.....	۳
مقدمه و پیشینه موضوع.....	۴
۱. ترکیب، ساختار و آئین دادرسی دیوان قانون اساسی.....	۶
۱-۱. شرایط انتخاب اعضای دیوان قانون اساسی.....	۶
۲-۱. مدت عضویت و خاتمه عضویت در دیوان قانون اساسی.....	۸
۳-۱. آئین دادرسی دیوان قانون اساسی.....	۹
۴-۱. آثار و اعتبار آرای دیوان قانون اساسی.....	۱۰
۲. صلاحیت‌ها و کارویژه‌های دیوان قانون اساسی.....	۱۱
۱-۲. صلاحیت نظارت بر قوانین و مقررات.....	۱۱
۱-۱-۲. صلاحیت موضوعی دیوان در ایرادات قانون اساسی.....	۱۱
۱-۱-۲. نظارت مطلق.....	۱۲
۲-۱-۲. نظارت مقید.....	۱۳
۲-۲. صلاحیت شخصی دیوان در ایرادات قانون اساسی.....	۱۳
۳-۱-۲. نگاهی به فصول پر استناد قانون اساسی در رویه دیوان.....	۱۴
۱-۳-۱-۲. استناد به فصل اول (اصول کلی).....	۱۴
۲-۳-۱-۲. استناد به فصل دوم (حقوق و وظایف).....	۱۵
۳-۳-۱-۲. استناد به فصل سوم (تفکیک قوا).....	۱۶
۲-۲. دادخواهی اساسی یا درخواست‌های فردی.....	۱۶
۳-۲. صلاحیت انحلال احزاب سیاسی.....	۱۸
۴-۲. حسابرسی مالی احزاب سیاسی.....	۱۹
۵-۲. محاکمه دولتمردان در جایگاه دیوان عالی.....	۱۹
نتیجه‌گیری.....	۲۲
یادداشت‌ها.....	۲۳
منابع و مأخذ.....	۲۷

چکیده

قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و عامل سامان دادن به اقتدارات حاکمیتی و صیانت از حقوق شهروندان شناخته می‌شود. این سند اساسی که مبین اصول و ارزش‌های بنیادین یک نظام حقوقی است می‌بایست در رأس هرم هنجارهای حقوقی قرار داشته و درستی و اعتبار دیگر قوانین و مقررات و به طور کلی رفتار مقامات دولتی با آن سنجیده می‌شوند. نظام‌های حقوقی با توجه به اهمیت این امر، نهادی را عهده‌دار صیانت از قانون اساسی قرار داده و تفسیر رسمی و دادرسی اساسی را به آن واگذار کرده‌اند. در کشور ترکیه این صلاحیت به دیوان قانون اساسی اعطا شده است و نظر این نهاد در تفسیر قانون اساسی فصل‌الخطاب بوده و بر انطباق قوانین و مقررات لازم‌الاجرا با قانون اساسی نظارت دارد. در تحولات اخیر که در راستای عضویت کشور ترکیه در اتحادیه اروپا صورت گرفته است، دادخواهی اساسی و امکان رجوع افراد به ادعای نقض حقوق بنیادین بشری آنها نیز در صلاحیت این دیوان قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، دیوان قانون اساسی، قانون اساسی، نظارت بر قوانین، ابطال قوانین، دادرسی اساسی.

مقدمه و پیشینه موضوع

قانون اساسی مبین اصول و ارزش‌های بنیادین یک نظام حقوقی است و همین امر، ضرورت پاسداشت مقررات آن را آشکار می‌سازد. اهمیت این امر نظام‌های حقوقی را بر آن داشته تا نهادی را به عنوان مفسر رسمی قانون اساسی پیش‌بینی کرده تا از تشتت آرا در خصوص این سند بنیادین و تفسیر به رأی مقامات یا نهادهای سیاسی در این باب جلوگیری کنند. در کنار این کارویژه مهم، اصولاً به دلیل برتری هنجارها و اصول قانون اساسی، تخطی دیگر قوانین و مقررات از آنها جایز شمرده نشده و به طور معمول نظارت بر این امر بر عهده نهاد دادرسی اساسی قرار گرفته است. از آنجا که قانون اساسی به تنظیم روابط قوای حکومتی و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی می‌پردازد، برخی از این نهادها به موازات بررسی اعتبار قوانین و مقررات از منظر قانون اساسی از توجه به حقوق شهروندان نیز غفلت نورزیده و صلاحیت رسیدگی به دادخواهی اساسی اشخاص خصوصی را نیز یافته‌اند.

پیدایش دیوان قانون اساسی ترکیه^(۱) مرهون قانون اساسی ۱۹۶۱ این کشور است. در واقع، پس از روی کار آمدن حزب جمهوری خواه خلق^(۲) به تبع کودتای نظامی ۲۷ می ۱۹۶۰، اندیشه پیش‌بینی نهاد دادرسی اساسی در میان دولتمردان شکل گرفت تا از حاکمیت بی قید و شرط پارلمان و دیکتاتوری اکثریت جلوگیری شود.^(۳) تدوین کنندگان قانون اساسی ۱۹۶۱ بر ضرورت تأسیس یک دیوان قانون اساسی برای نظارت بر قوانین تأکید کرده و همین امر موجب پیش‌بینی این نهاد در قانون اساسی مصوب ۱۹۶۱ گردید. دیوان قانون اساسی در پی انتشار قانون شماره ۴۴ (مصوب ۲۲ آوریل ۱۹۶۲) رسماً آغاز به کار کرد. حیات قانون اساسی ۱۹۶۱ بیش از دو دهه به درازا نینجامید. پس از کودتای نظامی نیروهای مسلح ترکیه در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، قانون اساسی ۱۹۶۱ که عامل دسته‌بندی‌های پارلمانی و تضعیف دولت دانسته می‌شد به کناری نهاده شد و قانون اساسی جدید به موجب همه پرسی سال ۱۹۸۲ جامه قانونی بودن به خود پوشید.^(۴) و^(۵) قانون اساسی ۱۹۸۲ از یک سو، نظام چند حزبی را پدید آورد و از سوی دیگر، نظام دو مجلسی را به تک مجلسی تغییر داد.^(۶) نظام دادرسی اساسی و نهاد متولی آن که در قانون اساسی ۱۹۶۱ مطرح شده بود در قانون اساسی جدید با برخی تغییرات حفظ شد. به عنوان مثال، دادرسی اساسی در صلاحیت

انحصاری دیوان قانون اساسی قرار گرفت و محاکم عادی از اعمال این صلاحیت بازداشته شدند. همچنین، درخواست ابطال قوانین و مقررات اگرچه در قانون اساسی جدید باقی ماند اما محدودتر شد.

اصلاحیه‌های قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۱۰ که به طور خاص، نظام قضایی این کشور و به ویژه، مقررات مربوط به دیوان قانون اساسی را دستخوش تغییراتی ساخت و در پی آن قانون جدید تشکیلات و آئین رسیدگی دیوان قانون اساسی (مصوب ۲۰۱۱) وضع شد، ضرورت پرداختن به موضوع پژوهش حاضر را دو چندان ساخته است. گفتار اول این مقاله به موضوع ترکیب، ساختار و آئین دادرسی دیوان قانون اساسی ترکیه اختصاص یافته است و در آن، به بررسی شرایط انتخاب و عضویت در دیوان قانون اساسی، آئین دادرسی و آثار تصمیمات این دیوان پرداخته می‌شود. در گفتار دوم، صلاحیت‌ها و کارویژه‌های دیوان قانون اساسی ترکیه مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت و در پی آن، در جدولی به مقایسه صلاحیت‌های این دیوان با نهاد متناظر آن در نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی، شورای نگهبان قانون اساسی پرداخته و در پایان، نتایج این تحقیق ارائه خواهد شد.

۱. ترکیب، ساختار و آئین دادرسی دیوان قانون اساسی

قانون اساسی ترکیه^(۷) به تفصیل به تشکیلات، وظایف، آئین رسیدگی و دیگر موضوعات مربوط به دیوان قانون اساسی و دادرسی اساسی پرداخته است. مواد ۱۴۶-۱۵۳ قانون اساسی به تفصیل مقررات مربوط به تشکیلات، وظایف، روش کار دیوان و دیگر موضوعات مرتبط با نظارت اساسی را پیش‌بینی کرده است. پیش‌تر، دیوان وظایف خود را بر اساس قانون شماره ۲۹۴۹ (مصوب ۱۰ نوامبر ۱۹۸۳) به انجام می‌رسانید اما از آنجا که در پی اصلاحات قانون اساسی در ۲۰۱۰ ترکیب، صلاحیت‌ها و ساختار دیوان تغییرات چشمگیری یافت، قانون جدیدی در رابطه با دیوان به تصویب رسید. اعطای صلاحیت وضع مقررات و آئین‌نامه داخلی به هیئت عمومی دیوان از جمله نوآوری‌های قانون جدید تشکیلات و آئین رسیدگی دیوان قانون اساسی (قانون شماره ۶۲۱۶ مصوب ۳۰ مارس ۲۰۱۱)^(۸) است. بر این اساس، در حال حاضر، بیشتر قواعد و جزئیات مربوط به ساختار و آئین رسیدگی و دادرسی، ساخته و پرداخته خود دیوان است.^(۹)

دیوان قانون اساسی ترکیه مقتبس از تجربه دادرسی اساسی در اروپا به ویژه دیوان‌های قانون اساسی آلمان، ایتالیا، یوگسلاوی سابق و اتریش بوده است و همانند بسیاری از این دیوان‌ها، اعمال صلاحیت و نظارت دیوان بر قوانین و مقررات بر اساس قانون اساسی جنبه پسینی^(۱۰) دارد. گفتنی است که دیوان قانون اساسی ترکیه تا حد زیادی از تضمینات استقلال از دیگر نهادهای اساسی برخوردار است که از این میان به نقش‌آفرینی در پیش‌بینی بودجه می‌توان اشاره داشت. چنانکه در فرایند تدوین بودجه این نهاد، مسئول دبیرخانه دیوان در کمیسیون تلفیق بودجه و نیز صحن عمومی پارلمان حاضر شده و در این فرایند مشارکتی فعال دارد.^(۱۱)

۱-۱. شرایط انتخاب اعضای دیوان قانون اساسی

ماده (۱۴۶) قانون اساسی و مواد ۶ تا ۱۵ قانون تشکیل و اصول دادرسی دیوان قانون اساسی (از این پس: قانون تشکیل دیوان)^(۱۲) به تفصیل، نحوه انتخاب و ترکیب اعضای دیوان را بیان کرده‌اند. دیوان قانون اساسی بر طبق ماده (۱۴۶) قانون اساسی و ماده ۶ قانون تشکیل دیوان از ۱۷ عضو تشکیل شده است که از این میان، سه عضو توسط مجلس کبیر ترکیه و ۱۴ عضو دیگر توسط رئیس جمهور انتخاب می‌شوند.

ماده (۱۴۶) قانون اساسی جزئیات انتخاب این اعضا را به شرح زیر مقرر داشته است: «مجلس کبیر ترکیه^(۱۳) با اخذ رأی مخفی، دو عضو را از میان سه نامزدی که توسط هیأت عمومی دیوان محاسبات^(۱۴) و از میان رئیس و اعضای آن معرفی شده‌اند برای پست‌های خالی بر می‌گزیند، و یک عضو را از میان سه نامزدی که رؤسای کانون‌های وکلای از میان وکلای مستقل معرفی نموده‌اند، انتخاب می‌کند. در رأی‌گیری مجلس کبیر ترکیه برای تصدی هریک از پست‌های خالی [دیوان] در رأی‌گیری اول، اکثریت دو سوم آرای کل نمایندگان مجلس لازم است و در رأی‌گیری دوم، اکثریت مطلق کل نمایندگان آراء لازم خواهد بود. چنانچه در رأی‌گیری دوم اکثریت مطلق آراء حاصل نشود، رأی‌گیری سوم میان دو نفر از نامزدهایی که در رأی‌گیری دوم حائز بیشترین آراء شده‌اند انجام می‌گیرد و عضوی که بیشترین آرا را کسب کند، انتخاب می‌شود.

رئیس جمهور، سه عضو را از دیوان عالی استیناف^(۱۵) و دو عضو را از شورای دولتی^(۱۶)؛ یک عضو را از دیوان عالی استیناف نظامی^(۱۷) و یک عضو را از دیوان عالی اداری نظامی^(۱۸) و از میان سه کاندیدایی که اجلاس‌های عمومی آنها از بین رئیس و اعضای خود برای تصدی هر پست خالی معرفی کرده‌اند؛ سه عضو را از میان سه نامزدی که توسط شورای آموزش عالی از میان نیروهای مدرس در حوزه حقوق، اقتصاد و علوم سیاسی برای هر پست خالی معرفی شده‌اند که حداقل دو عضو آنها فارغ‌التحصیل حقوق بوده و هیچ یک عضو شورا [آموزش عالی] نباشند؛ و چهار عضو را از میان مدیران ارشد اجرایی، وکلای مستقل، قضات دسته‌اول و دادستان‌های عمومی یا گزارشگران دیوان قانون اساسی بر می‌گزیند.

در انتخاباتی که در اجلاس‌های عمومی دیوان عالی استیناف، شورای دولتی، دیوان عالی استیناف نظامی^(۱۹)، دیوان عالی اداری نظامی، دیوان محاسبات و شورای آموزش عالی برای معرفی نامزدهای عضویت در دیوان قانون اساسی صورت می‌گیرد، سه نفر که حائز بیشترین رأی شده‌اند برای تصدی هر پست خالی، نامزد محسوب می‌شوند. در انتخاباتی که از سوی رؤسای کانون‌های وکلای دادگستری برای معرفی نامزدهای وکلای مستقل صورت می‌گیرد، سه نفر که بیشترین آراء را کسب نموده‌اند، نامزد تلقی می‌شوند».

بر اساس مقرره فوق، از دیگر شرایط عضویت در دیوان، داشتن حداقل ۴۵ سال است. اعضای که از مؤسسات آموزش عالی انتخاب می‌شوند باید حائز عنوان استاد یا دانشیاری بوده، وکلاً باید حداقل ۲۰ سال سابقه وکالت داشته، مدیران ارشد اداری باید تحصیلات عالیه را گذرانده و مدت ۲۰ سال در مشاغل مربوط به خدمات عمومی سابقه فعالیت داشته باشند و قضات دسته‌اول و دادستان‌های عمومی نیز باید حداقل ۲۰ سال سابقه کار داشته باشند. اعضای دیوان مشمول اصل ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل می‌باشند. شایان ذکر است که در اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۰ تعداد اعضای دیوان از ۱۱ عضو دائم و ۴ عضو علی‌البدل به ۱۷ عضو دائم تغییر یافته و انتخاب اعضا که پیش‌تر تماماً در اختیار رئیس جمهور بود، در صلاحیت مشترک مجلس و رئیس جمهور قرار گرفت (ماده ۱۴۶ قانون اساسی)^(۲۰) تا استقلال این نهاد بیشتر تضمین شود. گفتنی است که در گذشته رئیس جمهور توسط پارلمان انتخاب می‌شد و بدین ترتیب، اعضای منصوب رئیس جمهور متخبین با واسطه پارلمان به‌شمار می‌آمدند اما در حال حاضر، که رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود،^(۲۱) انتخاب تمامی اعضای دیوان توسط رئیس جمهور از استقلال این نهاد می‌کاست و موازنه میان قوای مقننه و مجریه را به نفع قوه مجریه برقرار می‌کرد که با تغییرات به‌عمل آمده تا حدی این نقیصه برطرف شده است.

۲-۱. مدت عضویت و خاتمه عضویت در دیوان قانون اساسی

به موجب ماده (۱۴۶) قانون اساسی، اعضای دیوان قانون اساسی با رأی مخفی و اکثریت مطلق از میان خود، یک رئیس و دو نائب رئیس برای مدت چهار سال انتخاب می‌کنند و انتخاب مجدد برای تصدی سمت‌های یادشده بلامانع است. اما بر اساس ماده (۱۴۷) قانون اساسی مدت عضویت در دیوان، ۱۲ سال و بدون امکان عضویت مجدد است. ضمن آنکه ۶۵ سالگی به عنوان سن بانستگی شناخته شده است. عدم امکان عزل اعضای دیوان توسط مقام ناصب و پیش‌بینی مدت عضویت آنها بیش از زمان تصدی ریاست جمهوری را می‌توان از تضمینات استقلال اعضای دیوان بر شمرد.

خاتمه عضویت اعضای دیوان قانون اساسی در دو صورت پیش‌بینی شده است. به موجب ماده (۱۴۷) قانون اساسی و بند «۳» ماده (۱۱) قانون تشکیل دیوان قانون اساسی، اعضای دیوان در صورت محکومیت قطعی به جرایمی که بر طبق قانون سبب انفصال

از سمت قضاوت یا دادستانی می‌شوند، از سمت خود من عزل می‌گردند. همچنین، «در صورتی که به طور قطعی محرز گردد هریک از اعضاء به دلیل بیماری نمی‌توانند وظایف خود را انجام دهد، با تصمیم اکثریت مطلق اعضاء دیوان قانون اساسی، عضویت وی خاتمه می‌یابد» (ماده ۱۴۷ قانون اساسی).

۳-۱. آئین دادرسی دیوان قانون اساسی

به موجب ماده (۱۴۹) قانون اساسی و مواد ۲۱-۲۰ قانون تشکیل دیوان، دیوان قانون اساسی از دو شعبه^(۲۲) و یک هیئت عمومی^(۲۳) تشکیل شده است. در هر شعبه، ۴ قاضی عضویت داشته که تحت ریاست نائب رئیس دیوان تشکیل جلسه می‌دهند. جلسه هیئت عمومی با حضور حداقل ۱۲ عضو به ریاست رئیس دیوان یا یکی از نواب رئیس که توسط رئیس مشخص می‌شود، تشکیل می‌شود. شعب و هیئت عمومی با اکثریت مطلق آرا تصمیم‌گیری می‌کنند. برای بررسی قابلیت پذیرش دادخواست‌ها نیز کمیسیون‌هایی تشکیل می‌شود.

رسیدگی به دعاوی راجع به حسابرسی مالی و انحلال احزاب سیاسی، و در جایی که دیوان قانون اساسی به عنوان دیوان عالی عمل می‌کند، در صلاحیت هیئت عمومی است. تصویب و اصلاح آئین‌نامه داخلی دیوان نیز در حیطه صلاحیت هیئت عمومی است. (ماده ۲۱ قانون تشکیل دیوان) شعب نیز به طور خاص مسئولیت رسیدگی ماهوی به دادخواست‌های افراد هستند. (ماده ۲۲ قانون تشکیل دیوان) کمیسیون‌ها^(۲۴) صرفاً مسئول بررسی قابلیت پذیرش دادخواست‌های افراد هستند. (بند «۳» ماده ۴۸ قانون تشکیل دیوان)

تصمیمات هیئت عمومی و شعب دیوان با اکثریت مطلق آرا اخذ می‌شود. البته تصمیم‌گیری راجع به ابطال اصلاحات قانون اساسی، انحلال احزاب سیاسی یا حکم به محرومیت آن‌ها از کمک‌های دولتی با اکثریت دو سوم اعضای حاضر در جلسه صورت می‌گیرد. رسیدگی دیوان با بررسی مندرجات پرونده صورت می‌گیرد^(۲۵) مگر در جایی که به عنوان دیوان عالی عمل می‌کند و همچنین هرگاه در بررسی دادخواست‌های افراد ضرورت به استماع ادله طرف‌ها یا نظرات مطلعین باشد. در مورد انحلال احزاب سیاسی نیز دیوان، دفاعیات رئیس یا دبیرکل حزب را پس از اظهارات دادستانی کل می‌شنود. (ماده ۱۴۹ قانون اساسی)^(۲۶)

۴-۱. آثار و اعتبار آرای دیوان قانون اساسی

در ترکیه، دیوان قانون اساسی تنها مفسر رسمی قانون اساسی است و نظرات تفسیری آن بر همگان لازم الاجراست. برطبق بند «۱» ماده (۱۵۳) قانون اساسی، تصمیمات دیوان قانون اساسی قطعی و نهایی است. نهایی بودن تصمیم هم بدین معناست که پژوهش‌خواهی از آن امکان‌پذیر نیست و هم بدین معناست که تصمیمات اعتبار امر مختومه یافته و طرف‌های آن دعوا با دلایل و زمینه‌هایی مشابه این دعوا نمی‌توانند دعوایی جدید طرح کنند. تصمیمات دیوان مبنی بر لغو اثر از تصمیمات یا مقررات مغایر با قانون اساسی عطف بما سبق نمی‌شود و به عبارت دیگر، به معنای بطلان آن تصمیم از اول نیست حال آنکه در نظام امریکا دیوان عالی کشور حکم به بطلان یک مقرر مغلایر قانون اساسی می‌دهد (Başlar & Tülen, 2004). البته احکام دیوان در جایی که به منزله دیوان عالی کشور صادر می‌شوند (در بخش‌های بعدی به این مورد اشاره خواهد شد) قابل بررسی مجدد هستند.

قوانین، مقررات دارای الزام قانونی، و آئین‌نامه داخلی مجلس کبیر ملی^(۲۷) پس از اعلام مغایرت آن‌ها با قانون اساسی توسط دیوان قانون اساسی، بلااثر می‌شوند. البته در صورتی که دیوان لازم بداند می‌تواند زمان لازم‌الاجرا شدن تصمیم خود را حداکثر تا یکسال از زمان انتشار حکم در روزنامه رسمی به تعویق اندازد.

تصمیمات دیوان توسط رئیس و اعضای که در دیوان بوده‌اند امضا می‌شود. اعضای که نظر مخالف دارند دلایل مخالفت خود را به صورت مکتوب ذکر می‌کنند (بند «۷» ماده ۶۶ قانون تشکیل دیوان). طبعاً ذکر نظرات مخالف می‌تواند بیانگر مذاکرات و مباحث مطروحه در زمان تصمیم‌گیری باشد. انتشار تصمیمات دیوان در ابطال قوانین و مقررات منوط به بیان دلایل و مستندات رأی است (ماده ۱۵۳ قانون اساسی و ماده ۶۶ قانون تشکیل دیوان).

قانون اساسی مقرره‌ای مبنی بر صلاحیت دیوان به تعلیق یا توقف اجرای یک قانون یا مقرر ندارد و به بیان دیگر، نسبت به این امر ساکت است اما دیوان در رأی شماره ۴۲-۱۹۹۳/۴۰ چنین صلاحیتی را برای خود قائل شد و آن‌را از لوازم کارآمدی نظارت قضایی تلقی کرد و نبود آنرا مایه ضعف تضمینات اساسی دانست. بر این اساس، دیوان می‌تواند قانون یا مقرر مورد بررسی را تا زمان اتخاذ تصمیم نهایی موقوف الاجراء کند (Başlar & Tülen, 2004).

۲. صلاحیت‌ها و کارویژه‌های دیوان قانون اساسی

۲-۱. صلاحیت نظارت بر قوانین و مقررات

۲-۱-۱. صلاحیت موضوعی دیوان در ایرادات قانون اساسی

مأموریت اصلی دیوان قانون اساسی بررسی و نظارت بر قوانین و مقررات بر طبق قانون اساسی است. به موجب ماده (۱۴۸) قانون اساسی، دیوان قانون اساسی بر مطابقت قوانین، مقررات دارای الزام قانونی، و مقررات آئین‌نامه داخلی مجلس، چه از نظر شکلی و چه از حیث ماهوی، با قانون اساسی نظارت می‌کند. اما در مورد متمم‌ها و اصلاحیه‌ها قانون اساسی این نظارت منحصر است به امور شکلی و برای احراز مغایرت این امر و نتیجتاً ابطال آن، اکثریت سه پنجم اعضا نیاز است.

نظارت شکلی دیوان بر قوانین محدود به این است که آیا در رأی‌گیری اکثریت و حد نصاب پیش‌بینی شده در قانون اساسی برای وضع قوانین و نیز شرایط مقرر در مورد مذاکرات راجع به طرح‌ها و لوایح قانونی و شرایط مقرر در موارد فوریت^(۲۸) رعایت شده است یا نه؛ در مورد اصلاحیه‌های قانون اساسی (موضوع ماده ۱۷۵ قانون اساسی) حصول حد نصاب لازم برای پیشنهاد و رأی‌گیری نهایی مصوبات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ و در رابطه با آئین‌نامه‌های اجرایی قوانین^(۲۹) از این جهت که آیا در موعد مقرر وضع شده‌اند و به امضای رئیس جمهور و اعضای شورای وزیران رسیده‌اند یا نه، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. (بند «۱» ماده ۳۶ قانون تشکیل دیوان) بر اساس ماده (۱۴۸) قانون اساسی، نظارت از لحاظ شکلی می‌تواند از سوی رئیس جمهور یا یک پنجم نمایندگان مجلس کبیر ترکیه تقاضا شود. البته پس از ۱۰ روز از تاریخ انتشار قوانین، دعاوی راجع به ایرادات شکلی پذیرفته نمی‌شود.

با توجه به ماده (۱۴۸) قانون اساسی، قوانین و مقررات زیر مشمول نظارت دیوان هستند:

- قوانین؛^(۳۰)

- مقررات دارای الزام قانونی؛^(۳۱)

- مقررات آئین‌نامه داخلی مجلس کبیر ملی ترکیه؛^(۳۲)

- اصلاحیه‌های قانون اساسی؛^(۳۳)

- تصمیمات پارلمان در مورد سلب مصونیت یا عضویت یک نماینده مجلس.
دیوان قانون اساسی رسیدگی ابتدایی^(۳۴) نمی‌کند و به عبارت دیگر، رسیدگی دیوان منوط به درخواست تقدیم شده قبلی است. این درخواست‌ها از جانب نهادها و اشخاص خاصی صورت می‌پذیرد. دسترسی به دیوان به شیوه‌های زیر صورت می‌پذیرد:

۲-۱-۱. نظارت مطلق^(۳۵)

اعمال صلاحیت نظارت مطلق دیوان قانون اساسی بر قوانین و مقررات منوط به درخواست برخی مقامات و مراجع صلاحیت‌دار است که عبارتند از: رئیس جمهور، گروه پارلمانی مربوط به جناح حاکم، جناح اصلی اقلیت مخالف، و یا حداقل یک پنجم کل اعضای مجلس کبیر ملی. در صورتی که بیش از یک حزب سیاسی در قدرت باشد، جناحی که دارای کرسی‌های نمایندگی بیشتری باشد می‌تواند چنین درخواستی بنماید. (ماده ۱۵۰ قانون اساسی) درخواست ابطال ظرف ۶۰ روز از زمان انتشار قانون یا مقررات مربوطه در روزنامه رسمی امکان‌پذیر است. (ماده ۱۵۱ قانون اساسی) گفتنی است که طبق قانون اساسی ۱۹۶۱ جناح‌های سیاسی برای تشکیل گروه پارلمانی می‌بایست حداقل دارای ۱۰ کرسی در پارلمان بودند اما در قانون اساسی ۱۹۸۲ این عدد به ۲۰ کرسی افزایش یافت.

پیش‌بینی امکان درخواست ابطال یک مصوبه پارلمان توسط جناح اصلی اقلیت پارلمان می‌تواند این فرصت را در اختیار جناح اقلیت بگذارد که در مواردی بتواند مواضع یا سیاست‌های دولت را تعدیل کند (Hazama, 1996: 318). چه اینکه رؤسای جمهور به ندرت و نخست وزیران هرگز درخواست ابطال یک مصوبه را نداشته‌اند. در مقابل، جناح اصلی مخالف یا یک پنجم نمایندگان پارلمان بوده‌اند که به طور معمول در موضع مخالفت با مصوبات برآمده و بیشترین سهم را در درخواست بررسی دیوان داشته‌اند. جالب آن است که دسترسی جریان مخالف به دیوان قانون اساسی ترکیه در مقایسه با برخی دیگر از دیوان‌های متناظر در اروپا مانند آلمان و اتریش آسان‌تر است چنانکه در این کشورها درخواست بررسی از سوی یک سوم نمایندگان مجلس مربوطه بعمل می‌آید (Hazama, 1996: 322).

۲-۱-۱-۲. نظارت مقید (۳۶)

نظارت مقید بر قوانین در پی ایراد قانون اساسی یک دیوان پیش می‌آید؛ این ایراد بر خلاف مورد پیشین محدودیت زمانی ندارد و در هر زمان ممکن است توسط یک دادگاه بعمل آید. (نک: ماده ۱۵۲ قانون اساسی) در این صورت، تا زمان اظهارنظر دیوان قانون اساسی، رسیدگی در دادگاه به حال تعلیق در می‌آید. دیوان قانون اساسی نیز حداکثر ظرف ۵ ماه از زمان وصول ایراد به اظهارنظر خواهد پرداخت و در غیر اینصورت، دادگاه بر اساس قوانین و مقررات موجود به صدور حکم می‌پردازد. در صورت رد این ایراد، هیچ ادعا و ایراد مغایرت با قانون اساسی در رابطه با مقرر حقوقی مشابه طی ده سال از زمان انتشار نظر دیوان قانون اساسی در روزنامه رسمی مسموع نخواهد بود. (ماده ۱۵۲ قانون اساسی) دیوان قانون اساسی در اعمال نظارت مطلق می‌تواند تصمیم به ابطال کلی یا جزیی مصوبه داده؛ درخواست ابطال را رد کند؛ و یا تشخیص دهد که نیازی به صدور حکم نیست.

۲-۱-۲. صلاحیت شخصی دیوان در ایرادات قانون اساسی

قانون اساسی ۱۹۸۲ شمار مقامات و مراجع صلاحیتدار برای درخواست ابطال قوانین و مقررات از دیوان قانون اساسی را کاهش داد و همین امر موجب کاستن از حجم درخواست‌ها شد که در جدول شماره ۱ به خوبی نمایان است. همچنین، با توجه به آمار فوق می‌توان گفت حدود ۷۰٪ درخواست‌ها منجر به ابطال (اعم از جزیی یا کلی) مصوبه شده است. البته اگرچه از میزان ورودی درخواست‌های ابطال مصوبات کاسته شده اما نسبت ابطال مصوبات روند تقریباً یکسانی را داشته است. برخی نویسندگان با توجه به این آمار مدعی شده‌اند که آمار درخواست‌ها و مصوبات ابطالی دیوان قانون اساسی ترکیه به نسبت محاکم متناظر آن در اروپا بیشترین میزان را داراست. در برآورد دیگری که در مورد این آمار صورت گرفته است، مشخص شده که ۸۷/۷٪ از قوانینی که در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۲ ابطال شده‌اند توسط بزرگ‌ترین گروه پارلمانی مخالف (۷۵/۵٪) و یا توسط یک پنجم نمایندگان پارلمان (۱۲/۲٪) درخواست شده است که در واقع اینان نیز جزء مخالفین بوده‌اند. در واقع، اگرچه منعی در مشارکت نمایندگان موافق حزب حاکم در ارائه چنین درخواست‌هایی نیست اما این وضعیت بسیار به ندرت رخ داده است چنانکه در بازه زمانی مورد نظر در آمار

فوق، ظاهراً چنین اتفاقی رخ نداده است (Hazama, 1996: 325-326).

**جدول ۱) میانگین تصمیمات دیوان قانون اساسی در نظارت بر قوانین و مقررات
(در سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۳) (۳۷)**

دوره زمانی	ابطال	عدم ابطال (رد درخواست)	جمع تصمیمات
۱۹۶۴-۱۹۷۹	۸/۱	۶/۴	۱۴/۵
۱۹۸۴-۱۹۹۳	۷/۳	۲/۹	۱۰/۲
۱۹۶۴-۱۹۹۳	۷/۸	۵	۱۲/۸

شایان ذکر است که در درخواست تقدیمی به دیوان می‌بایست دلایل طرف درخواست دهنده^(۳۸) و اینکه چه بخشی از قانون مورد بحث با چه فصلی از قانون اساسی^(۳۹) و به چه دلیل مغایرت دارد مشخص گردد. البته در بیان ادله درخواست ابطال قوانین به طور مشخص‌تر می‌توان به فصول و یا مواد قانون اساسی نیز استناد کرد. از این میان، عمده مبنای تصمیمات ابطالی دیوان مستند به فصول اول (اصول کلی)، دوم (حقوق و وظایف)، و سوم (تفکیک قوا) بوده است (Hazama, 1996: 326-327) که در ادامه نمونه‌ای از رویه دیوان در استناد به فصول فوق را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۱-۳. نگاهی به فصول پر استناد قانون اساسی در رویه دیوان

حجم کار و شمار موارد در حال بررسی دیوان به شدت در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است. میانگین پرونده‌های مطروحه نزد دیوان در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ حدود ۶۲ پرونده بوده است. این در حالی است که در سال ۱۹۹۹ تعداد درخواست‌های وارده به ۶۲ مورد، در سال ۲۰۰۰ به ۹۷ مورد و در سال ۲۰۰۱ به ۵۰۸ مورد رسیده است. این تعداد در سال ۲۰۰۲ به عدد ۱۸۰ رسیده است. این افزایش بیشتر به جهت ایرادات محاکم کیفری مبنی بر ابطال برخی مقررات راجع به آزادی مشروط و تعلیق مجازات جرایم ارتكابی تا ۲۳ آوریل ۱۹۹۹ و نیز اصلاحیه‌های مصوب اکتبر ۲۰۰۱ بر قانون اساسی بوده است (Başlar & Tülen, 2004).

۲-۱-۳-۱. استناد به فصل اول (اصول کلی)

قانون اصلاح قانون انتخابات و قانون احزاب سیاسی^(۴۰) زمان برگزاری انتخابات‌های عمومی محلی را از «هر پنج سال» که در در قانون اساسی و قانون

انتخابات پیش‌بینی شده بود به «یک یکشنبه [در ماه] اکتبر در هر پنج سال» تغییر داد. در این قانون، روز یکشنبه‌ای در ماه اکتبر که زمان برگزاری انتخابات است در قانون معین نشده بلکه به تصمیم پارلمان واگذار شده بود. بر این اساس، برخی مواد این قانون مغایر با مواد (۲)، (۵) و (۶) قانون اساسی تلقی شدند زیرا اصول مربوط به حاکمیت قانون، دموکراسی و برتری قانون اساسی را نادیده گرفته بودند. برخی دیگر از مواد این قانون نیز مغایر ماده (۱۱) قانون اساسی یعنی، حق بر رأی دادن و همین‌طور، انتخاب شدن دانسته شد چرا که شیوه کار برای کاندیداهای مستقل انتخابات شورای شهر^(۴۱) را دشوار می‌ساخت. (Hazama, 1996: 322)

۲-۳-۱-۲. استناد به فصل دوم (حقوق و وظایف)

قانون اصلاح قانون پلیس^(۴۲) به جهت آنکه اختیارات پلیس را بیش از حد افزایش داده بود و این می‌توانست به حقوق بنیادین بشر خدشه وارد سازد، مغایر مواد (۱۳) و (۱۹) قانون اساسی تلقی شد. ضمن آنکه این قانون مغایر اصول کلی مربوط به حقوق بنیادین بشر نیز بود (Hazama, 1996: 334).

قانون مبارزه با تروریسم^(۴۳) اختیارات دولت در تعقیب افراد و گروه‌های مظنون به فعالیت‌های تروریستی را افزایش داده و امکان محاکمه مظنونین در دیوان امنیت دولت^(۴۴) به جای دادگاه عمومی کیفری را فراهم می‌آورد. این قانون که در واکنش به افزایش فعالیت‌های گروهک پ.ک.ک.^(۴۵) وضع شده بود، به انتقاد و واکنش جامعه از اینکه این قانون به نام مبارزه با تروریسم حقوق بنیادین بشری را مورد لطمه قرار دهد، دامن زد. مواد متعددی از این قانون اولاً، به دلیل آنکه شمار وکلای مدافع خوانده را حداکثر به ۳ تن محدود کرده بود (حال آنکه قانون آئین دادرسی کیفری ترکیه چنین محدودیتی قائل نشده است) نافی آزادی فرد در ادعا و دفاع از حقوقش خوانده شده و مغایر مواد (۱۳) و (۳۶) قانون اساسی شمرده شد. ثانیاً، مغایر ماده (۱۷) قانون اساسی دانسته شد به جهت آنکه مقرر می‌داشت که اشخاصی که در راستای اعمال قانون مبارزه با تروریسم مرتکب جرمی شوند، بدون آنکه بازداشت شوند می‌توانند تحت پیگرد قرار گیرند و عملاً کسانی که مرتکب شکنجه شده بودند را پیش از محکومیت آزاد می‌گذاشت. ثالثاً، به سبب آنکه دولت را مجاز به توقیف اموال کیفری می‌کرد ناقض حق بر دارایی اشخاص بوده و مغایر مواد (۳۵) و (۳۸) قانون اساسی محسوب

گردید (Hazama, 1996: 334-335).

۲-۳-۱-۲. استناد به فصل سوم (تفکیک قوا)

قانون اصلاح قانون راجع به قضات و دادستان‌ها^(۴۶) به جهت آنکه در مورد مقرراتی که دارای الزام قانونی بودند، قانونگذاری می‌کرد مغایر ماده (۹۱) قانون اساسی به شمار آمد. دیوان قانون اساسی اشعار داشت که این قانون که بازه زمانی قانون پشتیبان مقررات مورد بحث را افزایش می‌داد، حال آنکه آن قانون پیش‌تر توسط دیوان قانون اساسی ابطال شده بود. ماده دیگری از این قانون نیز مغایر مواد (۱۳۸)، (۱۳۹) و (۱۴۰) قانون اساسی تلقی شد زیرا آزمون شفاهی را جایگزین آزمون کتبی احراز شرایط (اختبار) مرکز آموزش کارآموزان قضات و دادستان‌ها کرده بود و در نتیجه، استقلال محاکم، حمایت از قضات و دادستان‌ها، و الزامات حقوقی مربوط به حرفه قضاوت و دادستانی را نادیده گرفته بود (Hazama, 1996: 335-336).

۲-۲. دادخواهی اساسی یا درخواست‌های فردی^(۴۷)

این امکان در پی اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۰ حاصل شد و ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۲ به عنوان اولین روز دریافت و ثبت چنین دادخواست‌هایی نام برده می‌شود. (نک: ماده ۱۴۸ قانون اساسی) در قانون جدید تشکیلات و آئین دادرسی دیوان قانون اساسی (قانون شماره ۶۲۱۶) هفت ماده به این امر اختصاص یافته است. به موجب ماده (۱۴۸) قانون اساسی، هرکس حق دارد با ادعای نقض یکی از حقوق و آزادی‌های اساسی مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^(۴۸) و مورد حمایت قانون اساسی از ناحیه مقامات دولتی و عمومی نزد دیوان قانون اساسی طرح دعوا کند. برای تقدیم دادخواست می‌بایست تمامی راه‌های حقوقی عادی جبران خسارت طی شده باشد. ضمن آنکه این مقرره، بیان اصول و مقررات مربوط به این دسته دادخواهی را به قانون احاله داده است.

بر این اساس، صلاحیت موضوعی^(۴۹) دیوان در این رابطه محدود به حقوق بنیادینی است که در قانون اساسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر متجلی شده است. البته برخی اعمال حاکمیتی از قلمرو چنین دادخواست‌هایی مستثنی شده می‌شوند. چه اینکه اصولاً افراد نمی‌توانند علیه اقدامات تقنینی و مقررہ گذاری اداری (قانونگذاری و وضع مقررات اداری) اقامه دعوا کنند. تصمیمات دیوان قانون اساسی و

برخی دیگر از اقداماتی که در قانون اساسی مستثنی شده‌اند، نیز از شمول موضوعات قابل دادخواهی از سوی افراد خارج هستند.

صلاحیت شخصی^(۵۰) دیوان هم شامل اشخاص حقیقی شده و هم اشخاص حقوقی خصوصی را در بر می‌گیرد. اشخاص بیگانه نمی‌توانند راجع به حقوقی که منحصرأ مربوط به شهروندان ترک است اقامه دعوا کنند.

اقامه دعوا منوط به پرداخت هزینه دادرسی (هزینه دادخواست) معادل ۱۵۰ لیر ترکیه (معادل حدوداً ۱۰۰ دلار آمریکا) است. همچنین، دادخواست می‌بایست پس از طی ۳۰ روز از طی آخرین طریق جبران خسارت و دادخواهی بعمل آمده باشد.

بر طبق اصول و قواعد دادرسی، پیش از دادرسی و رسیدگی ماهیتی، قابلیت پذیرش دادخواست^(۵۱) توسط کمیسیون‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد بدین معنا، که بررسی می‌شود آیا دادخواست در حوزه صلاحیت دیوان هست یا نه. رد دادخواست با اتفاق آرای کمیسیون انجام می‌گیرد. به طور کلی، دادخواست‌هایی که آشکارا مخدوش باشند یا از حیث تفسیر یا اعمال قانون اساسی و یا تعیین قلمرو و حدود حقوق بنیادین بی‌اهمیت باشند یا متضمن خسارت قابل توجهی نباشند توسط کمیسیون رد می‌شوند. دیوان بر طبق قانون می‌تواند دادخواست‌هایی که غیر مهم تشخیص می‌دهد، رد کند. فلسفه این حکم، جلوگیری از ازدیاد و تورم پرونده‌ها و ایجاد فرصت برای دیوان برای رسیدگی به دعاوی مهم راجع به حقوق بنیادین است. در صورت پذیرش دادخواست، رسیدگی ماهوی نزد یکی از شعب که مشتمل بر ۴ قاضی به ریاست یکی از نواب رئیس دیوان است، صورت می‌پذیرد. در برخی اوقات ممکن است شعبه به استماع ادله نیز بپردازد اما غالباً خود پرونده بررسی می‌شود.

برای جلوگیری از تعارض میان دیوان و دیگر محاکم، قانون اساسی و قانون دادگاه مقرر داشته است که بررسی شعب دیوان در ماهیت دعوا از نوع رسیدگی فرجامی و تنها محدود به اتخاذ تصمیم در مورد این است که آیا یک حق بنیادین نقض شده است یا نه و در جزئیات پرونده به صدور حکم نمی‌پردازند و این امر در صلاحیت دیگر محاکم قرار خواهد داشت. دیوان قانون اساسی پس از احراز نقض یکی از حقوق بنیادین، می‌تواند برای جبران خسارت تصمیماتی اتخاذ کند؛ بدین صورت که، اگر این نقض حق به سبب حکم یک دادگاه صورت گرفته باشد، دیوان پرونده را برای

احقاق حق خواهان و رسیدگی مجدد به دادگاه صلاحیتدار (شعبه هم عرض) ارجاع می‌دهد. در غیر این صورت ممکن است حکم به جبران خسارت خواهان داده یا از وی خواهد خواست تا در دادگاه بدوی به اقامه دعوا بپردازد. دیوان در صورت تشخیص سوء استفاده بین خواهان از دادرسی می‌تواند وی را به پرداخت جریمه‌ای تا ۲۰۰۰ لیره ترکیه محکوم کند.

۲-۳. صلاحیت انحلال احزاب سیاسی

بر اساس بند «۳» ماده (۶۹) قانون اساسی، تصمیم‌گیری در خصوص انحلال احزاب سیاسی پس از درخواست دادستانی کل کشور با دیوان قانون اساسی است. دیوان در این رسیدگی به استماع ادله و دفاعیات شفاهی دادستان و حزب مورد نظر و نیز گزارش قاضی گزارشگر (مأمور تنظیم گزارش) می‌پردازد. تخلفاتی که می‌تواند منجر به انحلال حزب سیاسی گردد به قرار زیر است:

اساسنامه و برنامه‌های حزب سیاسی مغایر ماده (۶۸) قانون اساسی باشد؛

حزب سیاسی به مرکز اقداماتی مغایر بند «۴» ماده (۶۸) قانون اساسی مبدل شود؛

حزب سیاسی به دریافت کمک‌های مالی از کشورهای خارجی، مؤسسات بین‌المللی، و اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی مبادرت کند؛

حزب سیاسی منحل (حزبی که برای همیشه منحل شده است) با نام جدیدی تشکیل شود.

شرایط و نحوه انحلال احزاب سیاسی در قانون احزاب سیاسی^(۵۲) مقرر شده است.

در کنار انحلال همیشگی یک حزب سیاسی، دیوان قانون اساسی می‌تواند با توجه به اوضاع پرونده، یک حزب را از تمام یا بخشی از کمک‌های دولت محروم کند. اعضای مؤسس حزبی که برای همیشه منحل شده است، نمی‌توانند به مدت ۵ سال از زمان انتشار تصمیم دیوان، مؤسس، مدیر یا رئیس حزبی دیگر شوند.

تاکنون، ۲۸ حزب سیاسی توسط دیوان قانون اساسی منحل شده‌اند و از این جهت، دیوان در میان اقربان خود در سطح اروپا بی‌بدیل است (Algan, 2011: 810). بیشترین تعداد این آرا مربوط به دوران حاکمیت قانون اساسی ۱۹۸۲ و به ویژه در سال‌های دهه ۱۹۹۰ است. به نظر یکی از نویسندگان، تصمیمات دیوان در این رابطه با رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و سازگاری ندارد. البته رویه اخیر دیوان و اصلاحات

قانون اساسی این رویکرد دستخوش تحولاتی شده است (Algan, 2011: 811).

۴-۲. حسابرسی مالی احزاب سیاسی

با توجه به اهمیت کارکرد احزاب سیاسی در نظام سیاسی کشور، نقش آفرینی آن‌ها مشمول قوانین و مقررات خاصی است. در نظام حقوقی ترکیه، دیوان قانون اساسی مسئولیت نظارت مالی بر درآمدها و هزینه‌های احزاب سیاسی را برعهده دارد. در این مسیر، دیوان ممکن است از دیوان محاسبات نیز کمک بگیرد (مواد ۵۵-۵۶ قانون تشکیل دیوان). دیوان پس از بررسی می‌تواند بر موافقت درآمد و هزینه برطبق قانون نظر دهد یا حکم به بازگشت درآمدهای ناروا به خزانه‌داری داده و در صورت ضرورت، اشخاص مسئول را تحت پیگرد مراجع ذیصلاح قرار دهد.

۵-۲. محاکمه دولتمردان در جایگاه دیوان عالی

دیوان در رابطه با اتهامات و جرایم شغلی رئیس جمهور؛ سخنگوی مجلس کبیر ملی، نخست وزیر و وزرا؛ رئیس و اعضای دیوان قانون اساسی، دیوان عالی کشور، شورای دولتی، دیوان عالی استیناف نظامی، دیوان عالی استیناف اداری نظامی؛ دادستان‌های محاکم مزبور، معاون دادستان کل کشور؛ رئیس و اعضای شورای عالی قضات و دادستان‌ها، و نیز دیوان محاسبات؛ فرمانده ستادکل نیروهای مسلح، فرماندهان نیروهای زمینی، دریایی و هوایی، و فرمانده نیروی انتظامی (ژاندارمری) به عنوان دیوان عالی^(۵۳) رسیدگی می‌کند. پیگرد مواردی که در صلاحیت دیوان عالی هستند توسط دادستان کل کشور یا معاون وی بعمل می‌آید.

دیوان قانون اساسی کارکردهای دیگری نیز دارد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود: رسیدگی به درخواست یک عضو پارلمان در رابطه با ابطال تصمیمات پارلمان در مورد سلب مصونیت پارلمانی یا لغو عضویت وی بر مبنای مغایرت با قانون اساسی یا مقررات آئین‌نامه داخلی مجلس (ماده ۸۵ قانون اساسی)، و همچنین، رسیدگی به سلب مصونیت وزارایی که از نمایندگان مجلس نیستند (نک: ماده ۱۱۲ قانون اساسی^(۵۴) و بند «و» ماده ۳ قانون تشکیل دیوان)

انتخاب رئیس و نواب رئیس دیوان قانون اساسی

انتخاب یکی از اعضا به سمت ریاست دادگاه اختلافات صلاحیتی.^(۵۵) (ماده ۱۵۸

قانون اساسی).

جدول ۲) مقایسه صلاحیت‌های دیوان قانون اساسی جمهوری ترکیه و شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران

عناوین	جمهوری ترکیه	جمهوری اسلامی ایران
تعداد اعضا	۱۷ عضو	۶ حقوقدان و ۶ فقیه
نحوه انتخاب اعضا	۳ عضو توسط مجلس کبیر ترکیه (دو عضو از میان نامزدهای هیأت عمومی دیوان محاسبات و یک عضو از میان کاندیدای کانون‌های وکلای دادگستری) ۱۴ عضو با انتخاب رئیس جمهور (سه عضو از دیوان عالی استیناف؛ دو عضو از شورای دولتی؛ یک عضو از دیوان عالی استیناف نظامی؛ یک عضو از میان کاندیداهای هیأت عمومی دیوان عالی اداری نظامی؛ سه عضو از میان اعضاء هیأت علمی؛ و چهار عضو از میان مدیران ارشد اداری، وکلای مستقل، قضات و یا دادستان‌ها)	۶ فقیه با انتخاب مقام رهبری ۶ حقوقدان با معرفی رئیس قوه قضائیه و انتخاب مجلس شورای اسلامی
مواد قانونی مربوطه	مواد (۱۴۶) تا (۱۵۳) قانون اساسی؛ قانون تشکیل و اصول دادرسی دیوان قانون اساسی	اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
مدت عضویت اعضا	۱۲ سال بدون امکان عضویت مجدد	۶ سال و امکان عضویت مجدد
امکان عزل	در صورت محکومیت قطعی به جرایم موجب انفصال از سمت قضاوت یا دادستانی و نیز به سبب بیماری با تصمیم اکثریت مطلق اعضاء به ناتوانی وی	فقها توسط رهبری قابل عزل هستند (جزء «الف» بند «۶» اصل ۱۱۰ قانون اساسی) قانون در مورد عزل حقوقدانان ساکت است.
امکان تصدی مشاغل دیگر	ممنوع است	در مورد حقوقدانان، تصدی شغل غیر از سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی و نیز مسئولیت‌های محوله از سوی مقام رهبری ممنوع می‌باشد

عناوین	جمهوری ترکیه	جمهوری اسلامی ایران
صلاحیت‌ها	- تفسیر قانون اساسی - نظارت بر قوانین و مقررات دارای الزام قانونی - رسیدگی به اتهامات وارده به برخی مقامات عالی دولتی در جایگاه دیوان عالی - حسابرسی مالی احزاب سیاسی - انحلال احزاب سیاسی - دادخواهی اساسی - بررسی تصمیمات پارلمان در مورد سلب عضویت یا مصونیت پارلمانی یک نماینده - انتخاب یکی از اعضا به سمت ریاست دادگاه اختلافات صلاحیتی.	- تفسیر قانون اساسی - تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع و قانون اساسی - تشخیص عدم مغایرت کلیه قوانین و مقررات با شرع (اصل ۴ قانون اساسی) - نظارت بر همه‌پرسی و انتخابات
نحوه رسیدگی یا شروع دادرسی	- پسینی (با درخواست قبلی اشخاص یا نهادهای صلاحیتدار)	- نظارت قانون اساسی: پیشینی (قبل از اعتبار قانونی مصوبات) - نظارت شرعی: هم پیشینی و هم پسینی
اعتبار تصمیمات	- عام‌الشمول، قطعی و لازم‌الاجراء	- عام‌الشمول، قطعی و لازم‌الاجراء

نتیجه‌گیری

ترکیه از جمله کشورهایی است که الگوی محکمه‌محور دادرسی اساسی را برگزیده است و دادرسی اساسی را در صلاحیت انحصاری دیوان قانون اساسی قرار داده است. بر این اساس، دیوان قانون اساسی ترکیه از یک سو، قوانین و مقررات دارای الزام قانونی را به درخواست مقامات صلاحیت‌دار دولتی و محاکم عمومی دادگستری مورد بررسی قرار می‌دهد و در صورت مغایرت آنها با قانون اساسی از آنها لغو اثر می‌کند و از سوی دیگر، اخیراً این دیوان با حصول برخی شرایط، دعوی افراد مبنی بر نقض حقوق بنیادین شناخته شده آنها در قانون اساسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را مورد رسیدگی قرار می‌دهد.

پیش‌بینی حق ایراد قانون اساسی و ارجاع یک مقرر قانونی به دیوان قانون اساسی از سوی گروه پارلمانی مخالف حزب حاکم یکی از تضمینات مؤثر برای جلوگیری از حاکمیت بی قید و شرط یا دیکتاتوری اکثریت پارلمان در قانون اساسی ترکیه است. فراوانی بهره‌گیری از این سازوکار و نتایج موفقیت‌آمیز آن گواهی بر این مدعا است. چنانکه نزدیک به ۹۰ درصد تصمیمات ابطالی دیوان قانون اساسی ترکیه بدلیل درخواست گروه‌های پارلمانی مخالف جناح دولت اتخاذ شده‌اند. البته برخلاف بسیاری از محاکم قانون اساسی، کارویژه حل اختلافات میان نهادهای سیاسی به دیوان قانون اساسی ترکیه اعطا نشده است. همچنین، این دیوان فاقد صلاحیت پیشینی نظارت بر قانونگذاری است.

یادداشت‌ها

1- Anayasa Mahkemesi

2- Republican People's Party (RPP)

۳- نویسندگان انگیزه تشکیل دیوان قانون اساسی را این چنین بیان کرده‌اند که به باور مقامات نظامی این کشور که سکان کشور را نیز در دست گرفته بودند، حزب دموکرات که در سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی اکثریت پارلمان را در دست داشت از قدرت خود به منظور حذف جریانات مخالف سیاسی و نابودی اصول اساسی جمهوری بهره برداری کرده بود. بنابراین، دیوان قانون اساسی به منظور نظارت بر قوانین و مصوبات پارلمان مطرح شد و به ویژه، حق گروه پارلمانی مخالف در ایراد مغایرت قانون اساسی و درخواست از دیوان قانون اساسی به منظور رسیدگی و بررسی موضوع پیش‌بینی گردید. برای مطالعه بیشتر، نک:

Zühtü Arslan, "Conflicting Paradigms: Political Rights in the Turkish Constitutional Court", *Critical Middle Eastern Studies*, vol. 11, no. 1, Spring 2002, p. 12.

4- The Constitution was adopted by the Constituent Assembly on October 18, 1982 to be submitted to referendum and published in the Official Gazette dated October 20, 1982 and numbered 17844; republished in the repeating Official Gazette dated November 9, 1982 and numbered 17863 in the aftermath of its submission to referendum on November 7, 1982 (Act No. 2709).

برای مطالعه ترجمه فارسی قانون اساسی ۱۹۸۲ ترکیه، نک. سیدجلال‌الدین مدنی، حقوق اساسی تطبیقی، انتشارات پایدار، چاپ اول: ۱۳۷۹، صص ۴۷۸-۳۷۵. همچنین، برای دیدن متن جدید قانون اساسی ترکیه (با اصلاحات سال ۲۰۱۰)، نک. «قانون اساسی ترکیه»، ترجمه: خسرو بهزادی، تهران: نگاه بینه، ۱۳۹۱.

۵- برای آگاهی بیشتر در خصوص ادوار قانون اساسی جمهوری ترکیه، نک:

<http://www.mfa.gov.tr/constitution-of-the-republic-of-turkey.en.mfa>

۶- به موجب ماده ۷۵ قانون اساسی ترکیه، قوه قانونگذاری از مجلس کبیر ملی تشکیل می‌شود که ۵۵۰ نماینده دارد. گفتنی است که رژیم سیاسی ترکیه از نوع جمهوری پارلمانی است. برای آگاهی بیشتر از نظام حقوق اساسی ترکیه، نک. عباسعلی عمید زنجانی، حقوق اساسی تطبیقی، نشر میزان، چاپ اول: بهار ۱۳۸۴، ۴۵۶-۵۰۷.

7- Türkiye Cumhuriyeti Anayasası

8- The Law on the Establishment and Rules of Procedure of the Constitutional Court of Turkey (Law No: 6216, Adopted 30 March 2011).

9- See: <http://www.anayasa.gov.tr/en/About/>

10- posteriori control

11- See, "Constitutional Justice: Functions and Relationship with the other Public Authorities", National report prepared for the XVth Congress of the Conference of European Constitutional Courts by The Turkish Constitutional Court, p. 2. Available at: <http://www.confcoconsteu.org/reports/rep-xv/TURKEY%20eng.pdf>

12- The Law on the Establishment and Rules of Procedure of the Constitutional Court of Turkey (Law No: 6216, Adopted 30 March 2011)

13- The Grand National Assembly of Turkey

14- The Court of Accounts

15- High Court of Appeals

16- Council of State

17- The High Military Court of Appeals

18- The High Military Administrative Court

19- The Military Court of Cassation

20- As amended on September 12, 2010; Act No. 5982.

21- As amended on October 21, 2007; Act No. 5678.

22- Sections or Chambers

23- The General Assembly

۲۴- بند «۱» ماده (۲۰) قانون تشکیل دیوان، ساختار دیوان را متشکل از ریاست دیوان، هیئت عمومی، شعب، کمیسیون‌ها، دبیرخانه و واحدهای اداری قلمداد کرده است. بنا بر جزء «ج» بند «۲» ماده (۱۴) قانون فوق، کمیسیون‌ها متشکل از اعضای دیوان هستند که بنا بر بند «۲» ماده (۲۲) قانون مزبور، موضوعات مرتبط با ترکیب و تقسیم کار آنها بر طبق مقررات داخلی بعمل می‌آید.

۲۵- گفتنی است که دادرسی اساسی در برخی نظام‌های حقوقی نظیر ایالات متحده امریکا مبتنی بر اصل تناظر است، نک. سیدمجتبی واعظی، دادگستری اساسی (مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی فرانسه و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران)، انتشارات جاودانه، چاپ اول: ۱۳۹۰، صص ۹۴-۹۳.

26- See: <http://www.anayasa.gov.tr/en/Adjudication/>

27- Rules of Procedure of Turkish Grand National Assembly (TGNA)

28- The prohibition on debates under expedited procedure

29- The decree-laws

30- Laws

31- Decrees having the force of law

تمامی مقررات دارای الزام قانونی مشمول صلاحیت موضوعی دادگاه هستند اما مقررات موضوعه در زمان وضعیت اضطراری (state of emergency)، حکومت نظامی و یا جنگ بر طبق ماده ۱۴۸ از این قاعده مستثنی هستند. البته دادگاه از این نظر که آیا وضعیت اضطراری رخ داده است یا نه، می تواند تصمیم گیری کند اما از نظر شکلی و ماهوی نمی تواند در مورد اعتبار این مقررات اظهار نظر نماید. گفتنی است که مقررات مربوط به زمان اضطراری پیش از انتشار به تأیید مجلس اعلای شورای ملی ترکیه می رسند.

32- Rules of Procedure of Turkish Grand National Assembly

۳۲- پیشنهاد اصلاح قانون اساسی توسط حداقل یک سوم اعضای مجلس اعلای شورای ملی (یعنی، ۱۸۴ رأی از مجموع ۵۵۰ نفر) بعمل می آید و می بایست به تأیید سه پنجم (یعنی ۳۳۰ رأی) برسد.

34- ex officio

35- Abstract Review

36- Concrete Review

۳۲- به نقل از:

Hazama, Yasushi., "Constitutional Review and the Parliamentary Opposition in Turkey", The Developing Economies, XXXIV-3 (September 1996), p. 325.

38- "statement of reasons"

39- The Turkish Constitution consists of a preamble and seven parts. Each part consists of several chapters, each of which contains articles.

40- The Law for Amending the Electoral Law and the Political Parties Law (1988)

41- mayoral elections

42- The Law for Amending the Law of the Power and Duties of the Police (1986)

43- The Law for Combating Terrorism (1991)

44- The State Security Court

45- The Kurdish Workers' Party (PKK)

46- The Law for Approving the Decree Having the Force of Law for Amending the Law of Judges and Prosecutors and Amending the Law of the Education Center for Judge and Prosecutor Candidates (1990)

47- Constitutional Complaint

۴۸- گفتنی است که در پرونده حسن اوزون علیه دولت ترکیه دادگاه اروپایی حقوق بشر به صلاحیت دیوان قانون اساسی ترکیه در رسیدگی به حقوق و آزادیهای مورد حمایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اذعان داشت و به دلیل آنکه رسیدگی در این دادگاه منوط به طی تمامی راه کارهای جبرانی داخلی بود، دعوای خواهان را رد نمود. برای اطلاع بیشتر، نک:

Hasan Uzun v. Turkey (application no. 10755/13), Available at: <http://hudoc.echr.coe.int/sites/fra/pages/search.aspx?i=001-119849>

49- *ratione materiae*

50- *ratione personae*

51- *Admissibility*

52- *The Law on Political Parties*

53- *Yüce Divan*

۵۴- ذیل ماده (۱۱۲) قانون اساسی مقرر می‌دارد: «اعضاء شورای وزیران که نماینده مجلس نیستند، وفق مندرجات ماده ۸۱ [نظیر سوگند نمایندگان مجلس] نزد مجلس کبیر ملی ترکیه سوگند یاد می‌کنند، و در زمان تصدی خود به عنوان وزیر از اصول و شرایطی که نمایندگان مشمول آن هستند، پیروی می‌کنند و از مصونیت پارلمانی برخوردار هستند...».

55- *The Court of Jurisdictional Disputes*

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. «قانون اساسی ترکیه» (۱۳۹۱)، ترجمه: خسرو بهزادی، تهران: نگاه بینه.
۲. مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۷۹)، حقوق اساسی تطبیقی، انتشارات پایدار، چاپ اول.
۳. واعظی، سیدمجتبی (۱۳۹۰)، دادگستری اساسی (مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی فرانسه و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران)، انتشارات جاودانه، چاپ اول.
۴. عمید زنجانی، عباسعلی (بهار ۱۳۸۴)، حقوق اساسی تطبیقی، نشر میزان، چاپ اول.

ب) انگلیسی

5. Bülent Algan, "Dissolution of Political Parties by the Constitutional Court in Turkey: An Everlasting Conflict between the Court and the Parliament?", AUHFD, vol. 60, no. 4, 2011.
6. Constitution of the Republic of Turkey (1982).
7. Hasan Uzun v. Turkey (application no. 10755/13), Available at: <http://hudoc.echr.coe.int/sites/fra/pages/search.aspx?i=001-119849>
8. <http://www.anayasa.gov.tr/en/About/>
9. <http://www.anayasa.gov.tr/en/Adjudication/>
10. <http://www.mfa.gov.tr/constitution-of-the-republic-of-turkey.en.mfa>
11. Kemal Başlar & Hikmet Tülen, "The Constitutional Court: 1962-2003 (An Introduction to the Composition and Functions of the Constitutional Court of the Republic of Turkey)", www.anayasa.gen.tr/baslar2.htm (31.5.2004).
12. The Law on the Establishment and Rules of Procedure of the Constitutional Court of Turkey (Law No: 6216, Adopted 30 March 2011)
13. Yasushi Hazama, "Constitutional Review and the Parliamentary Opposition in Turkey", The Developing Economies, XXXIV-3 (September 1996).
14. Zühtü Arslan, "Conflicting Paradigms: Political Rights in the Turkish Constitutional Court", Critical Middle Eastern Studies, vol. 11, no. 1, Spring 2002.
15. "Constitutional Justice: Functions And Relationship with the other Public Authorities", National report prepared for the XVth Congress of the Conference of European Constitutional Courts by The Turkish Constitutional Court. Available at: <http://www.confcoconsteu.org/reports/rep-xv/TURKEY%20eng.pdf>

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir